

جنسیت و تفاوت در ادراک محیط شهری؛ انگاره ها و معیارها

علیرضا بندرآباد^۱

تاریخ وصول: ۱۳۹۷/۰۱/۱۳، تاریخ تایید: ۱۳۹۷/۰۸/۱۳

چکیده

تفاوت‌های جنسیتی در فضای عمومی شهری می‌توانند سر‌مشاء بسیاری از عوامل تأثیر گذار بر کیفیت محیط شهر باشند. بررسی این گزاره نیازمند درک دقیق از مفهوم ادراک محیط شهری است. تفسیر و تعبیر آنچه گیرنده‌های حسی ما از محیط پیرامون دریافت کرده‌اند، در مغز صورت می‌گیرد. این عمل، ادراک نام دارد که به شناخت می‌انجامد. این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش است که چگونه تفاوت‌های جنسیتی شهروندان می‌تواند باعث تغییر برداشت حسی و در نهایت ادراک آنان از محیط شهری شده و عوامل و انگاره‌های این گونه ادراک کدامند؟ روش اصلی پژوهش در این نوشتار روش توصیفی-تحلیلی از طریق تحلیل کیفی و تحلیل داده‌های برداشت شده با روش مطالعات میدانی (در محدوده محلات مرکزی شهری) انجام شده است. تحلیل محتوای تحقیقات و نظریه‌های موجود در زمینه عوامل برگرفته از تفاوت‌های جنسیتی نیز بخشی از روش این تحقیق بوده است. پس از تدوین مدل مفهومی تحقیق و بر اساس آن یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد تفاوت‌های جنسیتی نمود بارزی در ادراک سه بعدی، جهت‌یابی در محیط شهر، نوع خوانایی محیط، مهارت نقشه‌خوانی و در نهایت روش‌های مسیر یابی و راهیابی پیدا می‌کنند. بنابراین مولفه‌های مذکور را می‌توان به عنوان اصلی‌ترین انگاره‌های تفاوت‌های ادراکی در محیط شهری به شمار آورد. البته همه اینها مرهون تفاوتها در ساختار مغز انسانها بوده که البته هم برای زنان و هم برای مردان بصورت اکتسابی قابل تغییر است. نکته مهم دیگر مرحله پیش از ادراک محیط یعنی احساس محیط است که توسط حواس پنجگانه دریافت می‌شود و در نتیجه به انگاره‌های مورد نظر این تحقیق، تفاوت در بکارگیری حس بینایی، لامسه، شنوایی، بویایی و چشایی را (البته با درجات اهمیت متفاوت) در میان زنان و مردان را می‌افزاید.

کلیدواژگان: ادراک، تفاوت‌های ادراکی، محیط شهری، جنسیت.

۱- استادیار گروه شهرسازی واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه

تفاوت‌های جنسیتی در فضای عمومی شهری می‌تواند سر منشاء بسیاری از عوامل تاثیر گذار بر کیفیت محیط شهر باشند. اما این تفاوت چگونه و از چه طریقی باعث این اثرگذاری می‌گردد؟ پاسخ کوتاه به این سوال را در چگونگی ادراک محیط شهری توسط شهروندان می‌توان جستجو کرد.

ادراک هرگز به آسانی صورت نمی‌گیرد و جریانی صریح و خالی از ابهام نیست. بلکه جریانی است که تحت تأثیر عوامل مختلف قرار دارد. برخی عوامل را می‌توان در محیط خارج جستجو کرد و بعضی دیگر از عوامل مؤثر در ادراک را باید در شخص ادراک کننده یافت. هر فرد فقط قادر است جزء بسیار کوچک از محیط خود را در هر زمان درک کند. با گذشت زمان انسان می‌آموزد که اشیاء و محیط را بهتر و صحیح درک کند. او علاقمند می‌شود در برخی موضوعات بیشتر دقت کند به ویژه اگر در آن مورد تعلیمات ویژه ای دیده باشد. هرگز دو نفر انسان نمی‌توانند شیئی را درست مثل هم و به یک نحو درک کنند. البته بسیاری از ادراکات افراد مختلف به هم شبیه است مثل ادراک تیرگی و روشنایی رنگ ها، اندازه، شکل، رنگ، فاصله، تعداد، مسافت و حرکت، زیرا افراد مختلف دارای حواس ویژه ای هستند که این حواس باهم شباهت دارند و دستگاه عصبی افراد نیز مشابه هم عمل می‌کند. هم چنین افرادی که در یک جامعه زندگی می‌کنند از نظر محیط جغرافیایی و اجتماعی، ادراکات یک سان از محیط دارند. بنابراین ادراکات انسان ها می‌تواند در برخی موارد مشابه و در برخی موارد متفاوت باشد (برگرفته از ورنون، ۱۹۶۲).

این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش اصلی شکل گرفته که چگونه تفاوت‌های جنسیتی شهروندان می‌تواند باعث تغییر برداشت حسی و در نهایت ادراک آنان از محیط شهری شده و عوامل و انگاره های این گونه ادراک کدامند؟ روش اصلی پژوهش در این نوشتار روش توصیفی - تحلیلی از طریق تحلیل کیفی و تحلیل داده های برداشت شده با روش مطالعات میدانی در نمونه موردی تحقیقات قبلی انجام شده است. تحلیل محتوای تحقیقات و نظریه های موجود در زمینه عوامل برگرفته از تفاوت‌های جنسیتی نیز بخشی از روش این تحقیق بوده است.

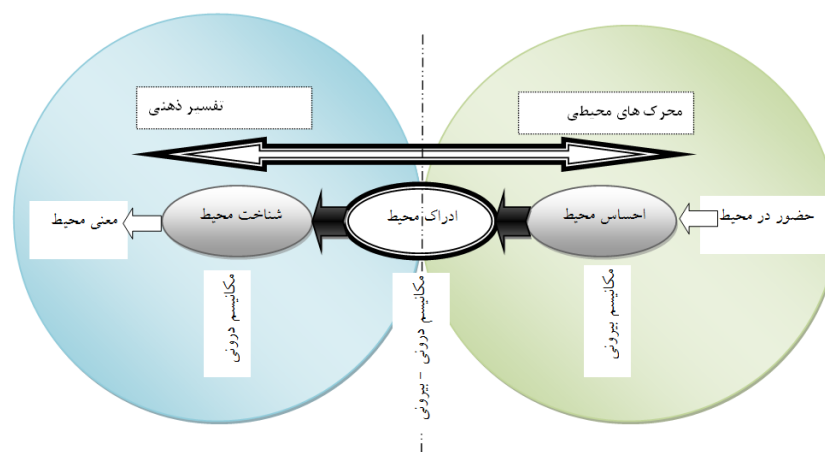
پیشینه پژوهش و تعاریف

تعریف ادراک

ادراک به معنی فرآیندی ذهنی یا روانی است که گزینش و سازمان دهی اطلاعات حسی و نهایتاً معنی بخشی به آنها را به گونه ای فعال به عهده دارد.

پدیده ی ادراک، فرآیندی ذهنی است که در طی آن تجارب حسی معنی دار می‌شود و از این راه انسان روابط امور و معانی اشیاء را در می‌یابد (ایروانی و خدا پناهی، ۱۳۷۱: ۲۲) ادراک به اندازه ای سریع در ذهن آدمی صورت می‌گیرد که هم زمان با احساس به نظر می‌رسد. ادراک به دنبال احساس های مجزا از هم صورت نمی‌گیرد، بلکه ذهن فرد، آن ها را به عنوان مجموعه ای معنی دار و در ارتباط با هم در می‌یابد. تجربیات و یاد گیری های قبلی، حالت انگیزش در لحظه ادراک به سرعت فراهم می‌آید و بر ادراک تأثیر زیادی دارد. هر ادراکی بر اساس انتظارات و پیش داوری- های ادراکی صورت می‌گیرد.

در مجموع می‌توان گفت، تفسیر و تعبیر آنچه گیرنده های حسی ما از محیط پیرامون دریافت کرده اند، در مغز صورت می‌گیرد. این عمل، ادراک نام دارد که به شناخت می‌انجامد. در حقیقت ادراک مرحله مابین، احساس و شناخت محیط است. احساس مکانیسم بیرونی است. شناخت مکانیسمی درونی است. ادراک به عنوان مرحله ی مابین این دو مکانیسمی بیرونی و درونی دارد. به همین دلیل بخشی از ادراک که مبتنی بر واقعیات بیرون از ذهن و در محیط است بین افراد فرآیندی مشابه دارد اما بخش دیگری از ادراک که بر پایه ی فرآیندهای مغزی و ذهن فرد است کاملاً شخصی و منحصر به فرد اتفاق می‌افتد (شاه چراغی و بندرآباد، ۱۳۹۴: ۱۷۷).



نمودار ۱: مکانیسم درونی-بیرونی ادراک (مأخذ: شاه چراغی، بندرآباد، ۱۳۹۴)

روشهای ادراک

روش های ادراک از نظر گاردنر^۱ و همکارانش چهار دسته است (برگرفته از ورنون، ۱۹۶۲: ۱۳۵-۱۳۷). روش های موشکافی و بررسی سطحی^۲: در روش سطحی شخص اشیاء را آن طور که هستند درک می کند ولی در روش موشکافی شخص به کمک مفاهیمی که در گذشته کسب کرده درک می کند. اتکا به عوامل داخلی یا خارجی در ادراک^۳: در اتکا به عوامل داخلی شخص خود را در نظر می گیرد و در اتکا به عوامل خارجی آنچه را با آن رو پروست معیار قرار می دهد. تمرکز یا عدم تمرکز در ادراک^۴: در روش متمرکز، شخص اصرار دارد کل موقعیت را درک کند اما در غیر متمرکز شخص به جزئی از آن پدیده کفایت می کند. تحمل ابهام در مورد تجربیات غیر واقعی^۵: تفاوت در این است که شخص به کمک تصورات یا بدون کمک از خیالات، می تواند ادراک کند.

تئوری نسبیت در ادراک

از آن جا که ادراک مکانیسمی بیرونی-درونی دارد، بخشی از آن وابسته به ذهن افراد و ملاک های فردی است. در این راستا ترستون^۶ با انجام تحقیقاتی بیان کرد که: "تفاوت های افراد در فرآیند ادراک فقط کمی است و موردی وجود ندارد که مورد ادراک قرار نگیرد." (به نقل از ورنون، ۱۹۶۲: ۱۵۰) در واقع این پژوهشگر تأثیر تفاوت های فردی بر ادراک را صرفاً کمی و نه کیفی اعلام می کند. البته این تفاوت ها نسبی است همانطور که انسان ها استعداد های متفاوتی برای درک محیط دارند. برخی از افراد در جهت یابی قوی ترند و برخی دیگر در توجه کردن و دقت. این تفاوت با تحصیلات، تربیت و پرورش انسان ارتباط داشته و بر اساس فرآیند های فیزیولوژیکی نیز هست همان طور که به میزان هوش افراد نیز بستگی دارد (ورنون، ۱۹۶۲، ۱۴۴-۱۵۱). همچنین میزان آشنایی اشخاص با موقعیت، در نحوه ادراک

۱ - Gardner

۲ - Levelling—Sharpening

۳ - Field Articulation

۴ - Centiation- Scanning control

۵ - Tolerance of Vnrealistic etperience

۶ -Thurstone

آن مؤثر است. به همین دلیل صاحبان حرفه‌های مختلف، با آنچه همیشه سر و کار دارند دقت بیشتری می‌کنند. جانورشناسان و گیاه‌شناسان در محیط قادر به درک مطالبی هستند که افراد غیر متخصص از درک آن‌ها ناتوانند. باید اضافه کرد، ادراک تحت تأثیر علایق و تمایلات انسان نیز هست (ورنون، ۱۹۶۲: ۹۳). میان اشیاء توجه فرد به شیئی معطوف است که به آن علاقه دارد و درباره‌ی آن اطلاع و آگاهی دارد. به طور کلی می‌توان گفت:

۱- تمایلات و آرزوها در ادراک تأثیر دارد. ۲- ارزش‌ها و علایق در ادراک مؤثر هستند. ۳- تلقین دیگران در ادراک نقش دارد. ۴- تأثیر اشیاء با ارزش در ادراک انکار ناپذیر است. ۵- تنبیه و پاداش در ادراک بی‌تأثیر نیست. ۶- موفقیت و شکست در ادراک کاملاً مؤثر است. ۷- درد و ناراحتی در ادراک تأثیر دارد. ۸- شدت وضعف درد و ناراحتی در نحوه ادراک بی‌تردید اهمیت دارد. ۹- موضوعات عاطفی در ادراک بسیار مهم است. ۱۰- مفهوم کلمات در ادراک آن‌ها نقش پررنگی دارند (ورنون، ۱۹۶۲: ۹۲-۱۲۵).

تفاوت‌های موجود بین نحوه‌ی ادراک اشخاص ارتباط زیادی با طرز تفکر و جهان بینی آن‌ها دارد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که شرایط فردی، مثل شرایط سنی، جنسیت، میزان آگاهی، نوع حرفه و تخصص می‌تواند بر ادراک نیز تأثیر بگذارد.

عوامل مؤثر بر ادراک

الف- عوامل اجتماعی

ادراک به عنوان مکانیزم تنظیم‌کننده و انطباق‌دهنده‌ی رفتار انسان در محیط زندگی اوست و عوامل اجتماعی مؤثر در ادراک عبارتند از زمینه‌های فردی و زمینه‌های اجتماعی که هر یک زیر مجموعه‌هایی دارد (جدول ۲).

در تحلیل عوامل فردی می‌توان گفت، سازمان‌یابی ادراک به تجربیات گذشته، نیازها، انگیزه‌ها و مکانیزم‌های دفاعی اشخاص بستگی دارد. اما در تحلیل عوامل اجتماعی مکتب‌ایم‌ز شرح می‌دهد که: "هر ادراک آدمی، ادراکی خاص و مشخص است، خواه موضوع مورد ادراک شیئی باشد یا شخص، امکان ادراک‌های گروهی یا مشترک نیز وجود دارد. مشروط بر آن که تجربیات و کوشش‌ها، نیز بین افراد گروه تقسیم شده باشد و در فعالیتی مشترک به تعامل بپردازند." (ایروانی و خداپناهی، ۱۳۷۱: ۱۹۴) بنابراین می‌توان در یک اجتماع به ادراک زیبایی رسید. رفتار انسان و طرز فکر و به ویژه ادراک او، فعالیت‌هایی غیر ارادی و یا ارادی نیستند، بلکه به عنوان نتیجه یا حاصل یک تعامل میان فرد و محیط او در نظر گرفته می‌شود. تعامل ادراکی موجب چنین موضوعی می‌شود که عبارت است از، یک طرف شامل فرد ادراک‌کننده و شیئی مورد ادراک و از طرف دیگر وجود موقعیتی که این دو در آن به نحو فعال مشارکت دارند (ایروانی و خداپناهی، ۱۳۷۱: ۱۹۵). بنابراین نقش "پیش‌فرض‌ها" در ادراک اساسی است.

ب- تفاوت‌های ادراکی

براساس مباحث پیشین، می‌توان نتیجه گرفت که بخشی از ادراک وابسته به ویژگی‌های محیط بیرونی است و بخش دیگر آن بر اساس ویژگی‌های شخصی فرد (مُدِرک) شکل می‌گیرد. مثلاً نوع حرفه در این امر مؤثر است. از جمله می‌توان گفت سن انسان و جنسیت وی نیز بر نوع ادراک بسیار اثر گذار است. در این بخش بر اساس روان‌شناسی رشد و روان‌شناسی جنسیت برخی تفاوت‌های یافته شده معرفی می‌شود.

ادراک در دوران کودکی

بسیاری از محققان^۱ عقیده دارند، رفتارهای انسان در بزرگسالی تابع تجربیات سال های نخستین زندگی وی یعنی دوران کودکی است. انسان در دوران کودکی و به ویژه در بدو تولد، دارای گیرنده های حسی است که به تدریج تکامل می یابد و از دیگر سو دارای ذهنی خالی از مفاهیم، آموخته ها و تجربه است.

کودک در همان ساعات اولیه ی زندگی، نسبت به محرک های محیط واکنش نشان می دهد. "نوزادان یکی- دو روزه، از لحاظ چشایی حساسیت زیادی دارند و قادرند تفاوت بین مزه های مختلف را تشخیص دهند. مزه ی شیرین را بر مزه ی شور یا تلخ و یا بی مزه ترجیح می دهند. از لحاظ حس بویایی نیز می توانند بوهای متفاوت را از یکدیگر تشخیص دهند. این واکنش را می توان هنگام چرخاندن سر، تغییرات حاصل در جریان قلب و تنفس آن ها مشاهده کرد. این حساسیت و توانایی تشخیص، فطری بوده و ارزش سازش کودک با محیط را دارد. زیرا به نوزاد کمک می کند تا از مواد زیان آور اجتناب کند." (ایروانی و خدایپناهی، ۱۳۷۱: ۱۳۹).

تفاوت های ادراکی در سنین سالمندی

در بسیاری از موارد، ما تعجب می کنیم که چرا بیشتر اوقات، خانه ی پدر بزرگ و مادر بزرگ ما تاریک است و آن ها تمایل دارند تعداد چراغ های کمی در خانه روشن باشد. واقعیت این است، همان گونه که گیرنده های حسی انسان از بدو تولد به تدریج تکامل می یابد و قدرت بیشتری می یابد، در دوران کهنولت و سالمندی این روند معکوس است و گیرنده های حسی آرام آرام، حساسیت های خود را از دست می دهند.

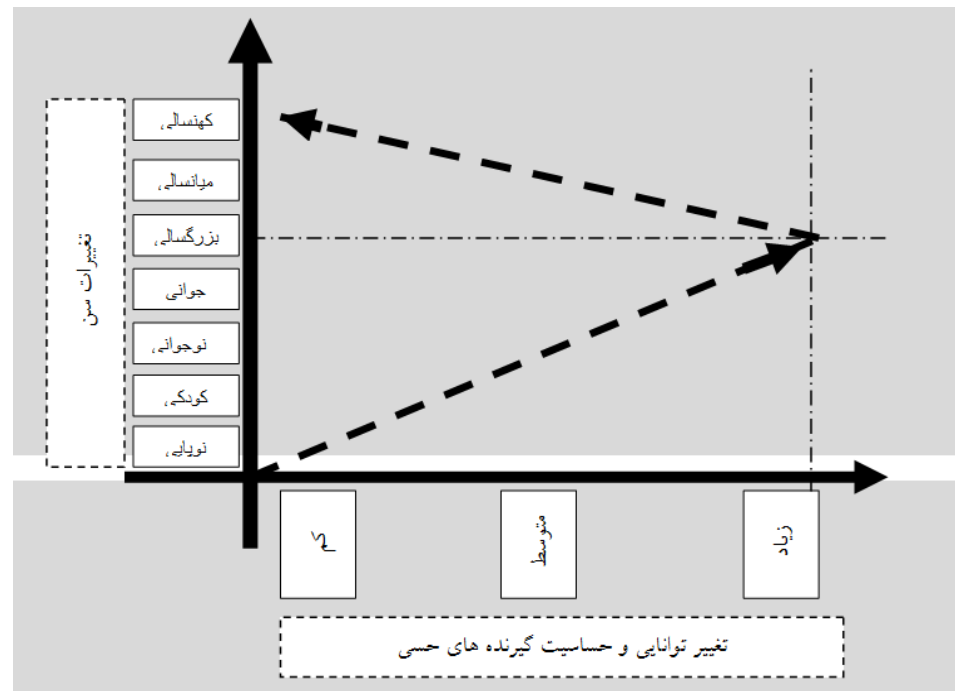
مثلاً درباره مثال نور محیطی که مطرح شد، می دانیم که به طور معمول، اشیاء در روشنایی بیشتر، بهتر دیده می- شوند، اما هرگاه از روشنی به تاریکی وارد شویم چشم ما بر اثر ویژگی های فیزیولوژیکی با تاریکی تطبیق پیدا می کند. زیرا نوعی تیزبینی بصری وجود دارد. با افزایش سن در انسان عادت به تاریکی و تیزبینی کاهش می یابد (ورنون، ۱۹۶۲: ۲۳). به طور معمول سالمندان از محیط های با نور ملایم نسبت به محیط های کاملاً روشن، بیشتر استقبال می- کنند.^۲ این موضوع در ادراک آنها اثر گذار است.

در مورد رنگ نیز، تفاوت های ادراکی ناشی از کاهش قدرت احساس محیط در سالمندان دیده می شود. هم چنین یکی از دلایل تشخیص اشیاء از یکدیگر، تفاوت رنگ آن هاست.^۳ در سالمندان تشخیص هویت اشیاء تا حدی از رنگ آنها مجزا است در صورتی که برای کودکان رنگ اشیاء بسیار اهمیت دارد و تشخیص آن ها بر اساس تفاوت رنگ است. (ورنون، ۱۹۶۲: ۲۹) به همین ترتیب وقتی سالمندان چیزی را می بینند، اولین قسمت شیئی که به نظر آن ها می رسد، گوشه ی اشیاء است. کودکان هم بعضی قسمت اشیاء مثل زاویه و گوشه ها را زودتر از اشیاء بدون زاویه درک می کنند.

۱- مباحث فروید و عقیده ی وی مبنی بر "رفتار انسان تحت تأثیر غریزه های عشق و زندگی - مرگ و نیستی" به بسیاری از نظریات روان شناسی محیطی شکل داده است. در روان شناسی عمقی، ابعاد محیط از نظر مهارکردن یا تشفی امیال انسان اهمیت دارند و در این حد مورد توجه قرار می گیرند. به طور مثال، مطالعه ی فرآیند رشد کودک تحت تأثیر شرایط محیط اجتماعی و هم چنین ابعاد فیزیکی معماری محیط از جمله مطالعات انجام شده ای است که در روان شناسی عمقی یا روان کاوی قرار می گیرد.

۲- به همین دلیل ما همیشه خانه پدر بزرگ و مادر بزرگ را تاریک حس می کنیم اما آن ها از این وضع راضی اند.

۳- مثلاً ما پرتقال و گوجه فرنگی را به دلیل رنگ متفاوت آن ها زودتر تشخیص می دهیم.



شکل ۱: نمودار مفهومی تغییرات توانایی گیرنده های حسی متناسب با تغییر سن انسان (مأخذ: نگارنده)

تفاوت‌های ادراکی زنان و مردان

همان‌طور که کارکرد مغز زنان و مردان با هم متفاوت است. آن‌ها درک متفاوتی از الویت‌ها و رفتارها نیز دارند. از اواخر دهه ۱۹۸۰ میلادی در زمینه‌ی تحقیق بر تفاوت‌های زنان و مردان و نحوه‌ی کار مغز آن‌ها، انفجار اطلاعاتی رخ داد. برای اولین بار در تاریخ بشر، تجهیزات رایانه‌ای پیشرفته به انسان کمک کرد که نحوه‌ی کار مغز را به صورت زنده مشاهده کند و پاسخ بسیاری از پرسش‌های مربوط به تفاوت‌های زنان و مردان را بیابد. حال آن‌که در قرن بیستم تفاوت‌های زنان و مردان را بیشتر مربوط به شرایط اجتماعی آنان می‌دانستند و اعتقاد بر این بود که رفتار ما تحت تأثیر رفتار والدین ماست. اما امروزه می‌دانیم که برنامه‌ریزی مغز و تأثیر هورمون‌های روی آن‌ها، نوع تفکر و رفتار ما را تعیین می‌کند.

اولین آزمایش‌های علمی ثبت شده در باره‌ی تفاوت بین زن و مرد به وسیله فرانسویس گالتون^۱ در سال ۱۸۸۲ انجام شد، در موزه‌ی لندن نگه‌داری می‌شود. او کشف کرد که مردان نسبت به صداهای تیز و گوش‌خراش حساسیت بیشتری نشان می‌دهند، مشت قوی‌تری دارند، نسبت به زنان در برابر درد از حساسیت کمتری برخوردارند (پیروپیز، ۲۰۰۱: ۶۵). بر این اساس، در این بخش بر اساس مطالعات پزشکی، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی به تفاوت‌های زنان و مردان در احساس محیط و ادراک محیط می‌پردازیم.

۱- تفاوت‌های مغز زنان و مردان

تفاوت‌های آفرینش میان زنان و مردان مسأله‌ای علمی است. تحقیقات علمی در دهه‌های اخیر تفاوت‌های جسمی و ذهنی میان زنان و مردان را تأیید کرده، تفاوت‌های جسمی در طول قرن‌ها در تمدن و فرهنگ‌های گوناگون

۱ - Francis Galton

پذیرفته شده و حتی قوانین و عرف اجتماعی را شکل داده اما تفاوت های ذهنی و مغزی حتی در بارزترین و عیان ترین شرایط، نادیده گرفته شده و یکی به ضرر دیگری سرکوب شده است.

پژوهش های عصب شناسان در اواخر قرن بیستم و اکنون در قرن بیست و یکم اطلاعات دقیق تری از تفاوت ها در مغز زنان و مردان را نشان می دهد. در سال ۱۹۹۷، محقق دانمارکی به نام بنت پاکن برگ^۱ در بخش عصب شناسی بیمارستان کپنهاگ ثابت کرد که به طور میانگین یک مرد چهار میلیارد سلول مغزی بیشتر از زن دارد. اما نتیجه ی آزمون ها نشان داده که زنان سه درصد باهوش تر از مردان هستند.

در سال ۱۹۹۹ پرفسور روبن گار^۲ محقق مغز در مرکز پزشکی دانشگاه پنسیلوانیا کشف کرد که ماده ی خاکستری مغز زنان بیشتر از مغز مردان است. مغز محاسبات خود را در ماده ی خاکستری انجام می دهد. با توجه به این یافته می توان دریافت که دلیل آن که زنان در برقراری ارتباط راحت ترند چیست (پیزوییز، ۲۰۰۱: ۶۳).

مغز دختر ها طوری طراحی شده که به مردم و چهره ها توجه می کنند ولی مغز پسر ها روی اشیاء تمرکز دارد. بررسی نوزادان از بدو تولد تا چند ماهگی این نکته را به وضوح نشان می دهد که پسر ها اشیاء و دخترها مردم را دوست دارند (پیزوییز، ۲۰۰۱: ۱۶۹).

زنان و مردان از نظر عوامل زیست شناسی درهورمون های جنسی، ساختمان بدن، فعالیت ها و ویژگی های مغز متفاوت اند به همین دلیل در ادراک نیز با هم تفاوت دارند. در زنان، نیم کره چپ مغز است که هدایت سمت راست بدن، ریاضیات، هوش کلامی، منطق و استدلال، واقعیات، تجزیه و تحلیل و درک جزئیات را به عهده دارد. در مردان نیم کره ی غالب مغز نیم کره ی راست است که هدایت سمت چپ بدن، هنر، هوش بصری، درک مستقیم، عقیده و نظر تئوری، تخیل، درک کلیات را به عهده دارد (پاکزاد و بزرگ، ۱۳۹۱).

بنابراین اکنون می دانیم که تفاوت های رفتاری زنان و مردان در محیط، علاوه بر معیارهای اکتسابی فرهنگی تحت تأثیر ویژگی ها و قابلیت های مغزی آنان نیز است. هم چنین تفاوت هایی در قابلیت گیرنده های حسی محیط میان زنان و مردان دیده می شود. این تفاوت ها در احساس محیط همراه تفاوت ها در پردازش مغزی، تفاوت های ادراکی نیز به وجود آورده است. در ادامه به برخی از یافته ها در این زمینه می پردازیم.

۲- تفاوت های زنان و مردان در احساس محیطی

گیرنده های حسی مثل چشم، گوش، بینی، زبان، پوست در زنان و مردان ویژگی های فیزیولوژیکی یکسان اما توانمندی های گوناگون دارد.

تفاوت ها در بینایی

زنان جزء بین تر از مردان هستند. توجه زنان به جزئیات محیط، و بترین ها، پنجره ها، تزیینات،... بیشتر است. دامنه ی دید زنان وسیع تر از مردان است. زنان می توانند حد اقل یک زاویه ی ۴۵ درجه را از هر طرف و آنچه در بالا و پایین است ببینند.

زاویه دید برخی از زنان ۱۸۰ درجه است. به دلیل تنوع بیشتر در سلول های میله ای شبکه ی چشم، دید زنان بیشتر از مردان است اما عمق دید مردان طول بیشتری از عمق دید زنان دارد یعنی مردان مسافت های دورتر را با وضوح

۱ - Bente Pakkenberg

۲ - Ruben Gur

بیشتر می بینند. زنان قدرت تشخیص رنگ بیشتری دارند و اختلاف بسیار ظریف رنگ ها را درک می کنند ولی مردان این گونه نیستند.^۱ مردان در طول روز تیزبین تر از زنان هستند. اما سازگاری با تاریکی در زنان سریع تر رخ می دهد. مردان دید تونلی داشته و قادر به دیدن واضح مسافت های دورتر هستند. زنان طیف رنگی گسترده تری را شناسایی می کنند. زنان در محیط شلوغ و پر جزئیات، عناصر بیشتری را ادراک کرده و زودتر از مردان خسته می شوند. زنان از حافظه ی قدیمی، قدرتمندتر و تصاویر ذهنی غنی و پر جزئیات برخوردارند.

تفاوت ها در شنوایی

قدرت شنوایی زنان بیش از مردان است. آن ها حساسیت شنوایی زیادی دارند زیرا در مغز خانم ها، پالایه یا صافی (فیلتر صوتی) به قدرت پالایه ی صوتی در مغز آقایان نیست و زنان همه ی صداهای موجود در محیط رامی شنوند. پالایه صوتی در مغز، برخی اصوات را حذف می کنند. بنابراین مردان می توانند بر صداهای انتخابی خود تمرکز کنند اما زنان قادر نیستند.

تفاوت ها در چشایی و بویایی

مابیش از ده هزار گیرنده چشایی برای تشخیص چهار مزه ی اصلی (به علاوه ی مزه ی پنجم یعنی چربی) داریم. زنان در تشخیص شیرینی و مردان در تشخیص شوری و تلخی قویترند. زنان به مرور زمان باعث بالا بردن ذائقه ی شیرین پسند فرزندان می شوند. هم چنین اغلب زنان به طعم تک تک مواد حساس اند اما مردان این گونه نیستند. همان طور که در بخش احساس محیط توضیح داده شد، حواس بویایی و چشایی باهم مرتبط اند. همان گونه زنان حس چشایی حساس تری دارند، آن ها نسبت به بو در محیط نیز حساس تر از مردان هستند.



شکل ۲: مقایسه ی تفاوت های زنان و مردان در به کارگیری حس بویایی و تمایزات آنان در توانمندی حس بویایی (مأخذ:

(Henshaw, 2012)

۱- سلول های رنگی در شبکه از کروموزوم X ساخته شده اند و زنان دارای ۲ کروموزوم X هستند به همین دلیل در تشخیص و تفکیک رنگ ها قوی ترند.

تفاوت ها در لامسه

پژوهش ها نشان داده که زنان در حس بساواپی، قوی تر از مردان هستند زیرا تعداد گیرنده های حسی در پوست آنها بیش از مردان است. میزان هورمون اکسی توسین که گیرنده های لامسی را فعال می کند، در زنان بیش از مردان و حساسیت مردان در لمس کردن ضعیف تر از زنان است. هم چنین ادراک زنان از درد در مقایسه با ادراک مردان از درد، شدیدتر و بادوام تر است.

جدول ۱: مقایسه ی تفاوت های حواس زنان و مردان (مأخذ: شاه چراغی، بندرآباد، ۱۳۹۴)

مردان	حواس	زنان
تشخیص راحت تر رنگ های اصلی دید بهتر در شب دید سه بعدی بهتر	بینایی	چشممان قوی تر تشخیص طیف رنگی و رنگ های ترکیبی دامنه دید وسیع تر دید دوبعدی بهتر
فقط نیم کره ی چپ مغز را به کار می گیرند. تشخیص بهتر جهت صدا	شنوایی	هر دو نیم کره ی مغز را به کار می گیرند تشخیص بهتر صدا از دور
یوست کلفت تری دارند یوست پشت مردان چهاربرابر ضخیم تر از یوست روی شکم آنان است.*	لامسه	حساسیت زنان به لمس و فشار ده برابر مردان است تحمل یوست زنان در برابر سرما بیشتر است
قدرت مردان در تشخیص شوری و تلخی بیشتر است	چشایی-بوایی	چشایی و بوایی قوی تر در تشخیص شیرینی قوی ترند شامه زنان قوی تر است.

* (این میراث نیاکان است که در برابر حمله حیوانات از پشت محافظت می کردند.)

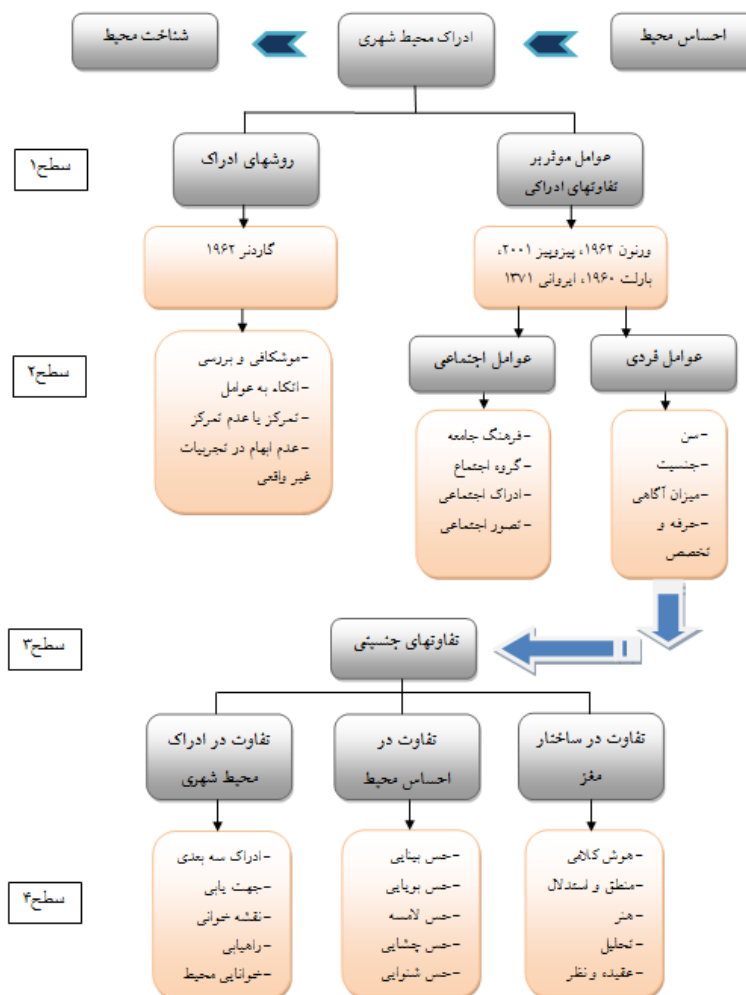
تفاوت های جنسیتی در ادراک در محیط شهری

در ادراک محیط شهری، زنان جزءنگر و مردان کل نگرند. این نتیجه بر اساس پژوهش های بسیار و مفصل حاصل شده است. به طور کلی می توان گفت: مردان و زنان یک دنیای واحد را از زاویه ی دید متفاوتی نگاه می کنند. وقتی مردی به اشیاء می نگرد، شکل سه بعدی و فضایی آن ها را می سنجد. آن ها اشیاء را با در نظر گرفتن اشکال فضایی شان به هم مربوط می کنند. این کار مثل قرار دادن قطعات پراکنده ی یک پازل است. از طرفی زنان از اشیاء تصویر بزرگ تری می گیرند و به جزئیات آن ها توجه بیشتری نشان می دهند. برای زنان دریافتن ریزه کاری ها و ربط دادن یک قطعه به قطعه دیگر از درک شکل فضایی کل شیئی مهم تر است (پیروپیز، ۲۰۰۱: ۱۶۸).

برخی از محققان دلیل این امر را مربوط به چگونگی زندگی زنان و مردان اولیه می دانند و عقیده دارند، مغز زن و مرد با قدرت ها، استعدادها و توانایی های متفاوت در طول قرن ها تکامل و تغییر یافته است (پیروپیز، ۲۰۰۱: ۵۹). به طور کلی یافته ها نشان می دهد: "ادراک و دریافت حسی زنان برتر از مردان است" (پیروپیز، ۲۰۰۱: ۵۲) اما ادراک سه بعدی مردان قوی تر از زنان است. در بخش یافته های این پژوهش بیشتر به این مساله پرداخته خواهد شد.

چارچوب مفهومی پژوهش

چارچوب مفهومی این پژوهش بر شناسایی انگاره‌ها و معیارهایی استوار است که تفاوت‌های ادراک محیط شهری بین زنان و مردان بر عواملی همچون چگونگی جهت‌یابی، مسیر یابی، نقشه‌خوانی، خوانایی محیط شهری و ادراک سه بعدی و دوبعدی از آن تأثیر گذار است. نمودار ۲ بیانگر چارچوب مفهومی این پژوهش است.



نمودار ۲: مدل و چارچوب مفهومی پژوهش، ماخذ: نگارنده

بحث و یافته‌ها

بر اساس چارچوب مفهومی پژوهش اکنون می‌توان شواهد و همچنین آزمون‌هایی را که در طول تحقیق‌های مختلف گذشته در نمونه موردی محدوده حرم حضرت عبدالعظیم (ع) در منطقه ۲۰ شهر تهران برای پی‌بردن به نقش تفاوت‌های جنسیتی در ادراک محیط‌های شهری انجام شده را بعنوان پشتوانه‌ای برای یافته‌های این تحقیق به شرح زیر بر شمرد:

الف - ادراک سه بعدی

در بیشتر زنان منطقه‌ی ویژه‌ای در مغز برای تشخیص سمت چپ و سمت راست وجود ندارد. (پیروپیز، ۲۰۰۱: ۵۳) به همین دلیل هم تعداد زنانی که با هر دو دست کار می‌کنند بیشتر از مردان است و آن‌ها به صورت اکتسابی این تفاوت را می‌آموزند. آزمایش‌هایی که به وسیله جانور شناسان انجام گرفته نشان می‌دهد که پستانداران نر در مقایسه

با پستانداران ماده ادراک سه بعدی بیشتری دارند. مثلاً موش های نر بهتر از موش های ماده راه خروج در یک مسیر مارپیچ را می یابند .

در مورد انسان ادراک سه بعدی یعنی توانایی تصوّر اشکال، ابعاد، تناسب، توازن، حرکات و محل اشیاء یا اجسام در مغز. معنی دیگر این واژه توانایی تصوّر چرخش یک شیء در فضا، راندن کشتی یا اتومبیل در مسیر پر از مانع و دید سه بعدی اشیاء می باشد. با داشتن این توانایی مردان می توانند حرکت شکار یا هدف را ببینند و خوب نشانه گیری کنند. دکتر کامیلا بن بو^۱ متخصص روان شناس دانشگاه آیوا استیت، برای مطالعه ادراک سه بعدی مردان و زنان، بیش از یک میلیون دختر و پسر را مورد اسکن مغزی قرارداد. بنا به گزارش او، تفاوت در این توانایی در چهار سالگی پدیدار می شود. او دریافت که دختران در دیدن دوبعد یا دو وجه یک شیء در مغز ماهرند ولی پسر ها می توانند علاوه بر دو بعد، بعد سوم را که به شیء عمق می بخشد در مغز خود ببینند ... فقدان این ادراک موجب اشکال در خواندن نقشه یا راهنمای خیابان توسط زنان می شود(پیزوپیز، ۲۰۰۱: ۱۳۲).

ب- تجسم فضایی (جهت یابی، نقشه خوانی و مسیریابی (راه یابی))

مهارت تجسم فضایی مردان از زنان بیشتر است. خانم ها در دیدن و تشخیص اشکال دوبعدی و مردان در تجسم احجام سه بعدی بهتر عمل می کنند. حس جهت یابی مردان، قوی تر از زنان است. مردان به دلیل تجسم فضایی بهتر، قادرند به خوبی نقشه شناختی، موقعیت خود و عناصر مهم را نسبت به هم بیابند. هم چنین مردان می توانند علائم صوتی را به نقشه های ذهنی سه بعدی تبدیل کنند، جهت یا مسیر درست را در ذهن خود ببینند.

در تحقیقی که تحت عنوان نقش تفاوت های جنسیتی در روش های مسیریابی در فضاهای شهری و در محدوده محلات مرکزی شهر ری انجام شد پژوهشگران پس از مشاهده نتایج پرسشنامه های ادراکی طراحی شده برای مردان و زنان به این نتیجه رسیدند مردان نسبت به زنان از روش های متفاوتی جهت مسیریابی استفاده می کنند. به عنوان مثال مردان در مواجهه با نقشه ها در فضا از نقشه های دو بعدی استفاده می کنند به دلیل این که آن ها در مغز خود بخشی برای تبدیل ادراک دو بعدی به سه بعدی دارند ولی زنان در هنگام مواجهه با نقشه دو بعدی قابلیت تبدیل به ادراک سه بعدی را مانند مردان ندارند و به همین خاطر برای یافتن مسیر خود در شهر به وسیله ی نقشه های سه بعدی مسیر خود را به راحتی پیدا می کنند. در کل تبدیل دو بعدی به سه بعدی برای آن ها مشکل است و برای یافتن مسیر خود در فضا بهتر است با نقشه ها و یا علائم سه بعدی راهنمایی شوند(بندرآباد و شیخی فینی، ۱۳۹۵).

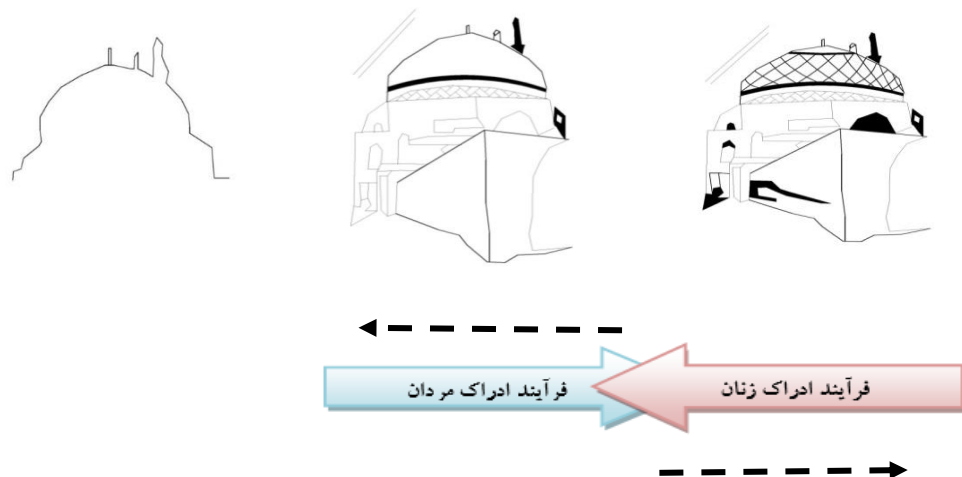
در میان نتایج به دست آمده اثبات شد که مردان ویژگی هایی از محیط که بیشتر با حس بینایی در ارتباط است را درک می کنند و زنان ویژگی هایی که با سایر حواس در ارتباط است را ادراک می کنند. در اکثر حواس زنان و مردان تفاوت کمی یا یکدیگر دارند، ولی به دلیل قابلیت استفاده از چند حس همزمان و یا چند وجهی بودن زنان، توجه آن ها به حواس مختلف مانند بینایی، شنوایی، بویایی و لامسه امکان پذیر است ولی مردان به دلیل احساس تک بعدی بودن حواس و امکان توجه به یکی از حواس، به حس بینایی که مهمترین حس از حواس پنج گانه می باشد اتکای بیشتری دارند. همچنین از نتایج تحقیق چنین بر می آید که نشانه های محیطی نقش مستقیمی بر پیدا کردن مسیر در فضاهای شهری توسط زنان و مردان دارند و وجود نشانه های محیطی با نور زیاد، فرم خاص و یا المان خاص به عنوان نشانه در مسیر عمل می کنند. ساختمان های قرار گرفته در ابتدا و انتهای مسیر و ساختمان های بلند نقش مهمی در مسیر دارند. در این میان توجه بارزی به مقیاس نشانه ها در تفاوت های جنسیتی وجود دارد. مردان توانایی ادراک نشانه هایی

با مقیاس بزرگتر و زنان توانایی ادراک نشانه‌ها حتی با مقیاس جزئی‌تر را نیز دارند. که این مساله به توانایی استدلال قیاسی (کل به جزء) مردان و توانایی استدلال استقرایی (جزء به کل) زنان برمی‌گردد (همان، ۱۳۹۵). در تحقیقی دیگر، نقشه‌ی راه یابی رسیدن به مکانی، به عده‌ای از زنان و مردان داده شد. در حین پژوهش آشکار شد بیشتر مردان نقشه‌ی دوبعدی را (در جهت شمال و جنوب) در دست می‌گیرند و تا رسیدن به مقصد کاغذ نقشه را به یک صورت در دست دارند اما اغلب زنان شرکت‌کننده در این تحقیق صفحه‌ی نقشه را متناسب با تغییر جهت خود در مسیر، می‌چرخانند. **به جز زنانی که معمار یا ریاضی دان بودند و به علت شغلشان به صورت اکتسابی آموزش دیده بودند که چگونه تجسم فضایی، جهت یابی، نقشه خوانی و راه یابی خود در محیط را تقویت کنند.** به دلیل ضعف زنان در جهت یابی و راهیابی، که ناشی از ویژگی‌های ذهنی آنان است، محققان پیشنهاد کردند که زنان باید از نقشه‌های سه بعدی برای راه یابی استفاده کنند.

به همین دلیل انجمن نقشه‌کشی انگلستان برای کاربردی کردن نقشه‌ها برای زنان، نقشه‌های سه بعدی توریستی را ابداع کرد که در این نقشه‌ها، درخت‌ها، کوه‌ها و سایر علامت‌ها دیده می‌شود (پیزوپیز، ۲۰۰۱: ۱۴). هم‌چنین در یک بهره‌برداری کاربردی و اقتصادی از این ویژگی ادراکی زنان، شرکت اتومبیل‌سازی ب.ام.و. اولین کارخانه‌ای بود که سیستم دورانی را در اتومبیل تعبیه کرد. این سیستم که از یک جهت یابی بصری بهره می‌جوید، تصاویر را برای هماهنگی با مسیر حرکت اتومبیل سر و ته می‌کند. فروش این اتومبیل‌ها با استقبال زنان روبه‌رو شد. هم‌چنین قدرت بیشتر در ادراک سه بعدی محیط به مردان کمک می‌کند که نقشه را در ذهنش بچرخاند و مسیر را بیابد. مردان حتی اگر مجبور شوند دوباره به همان مکان قبلی برگردند اما ابراز می‌کنند نیازی به نقشه نخواهند داشت. زیرا ناحیه‌ی مربوط به ادراک سه بعدی در مغز او اطلاعات را حفظ می‌کند. به همین دلیل اغلب مردان می‌توانند با خواندن نقشه در حالی که رو به شمال دارند دریابند که باید رو به جنوب بروند (پیزوپیز، ۲۰۰۱: ۱۳۳). به همین دلیل است که پسران و مردان با استفاده از ادراک سه بعدی خود از بازی‌های رایانه‌ای لذت می‌برند. تحقیقات دکتر جولین استنلی^۱ و کامیلا بن بو، روی تعدادی کودک با هوش نشان داد که هنگام ساختن ساختمان از روی نقشه دوبعدی، پسران سریع‌تر از دختران عمل می‌کنند. آن‌ها می‌توانند زوایا را دقیق‌تر بسنجند و بفهمند که آیا اتاق تراز هست یا نه؟ در این آزمون پسران در کارهایی مستلزم عمل هماهنگ چشم-دست می‌باشند بهترند مثل ورزش‌های توپی (پیزوپیز، ۲۰۰۱: ۱۲۵).

به همین ترتیب مردانی که دچار آسیب ناحیه‌ی راست مغز می‌شوند، تمام یا بیشتر ادراک سه بعدی خود را از دست می‌دهند. آن‌ها قادر نخواهند بود شیئی را به صورت سه بعدی ببینند اما زنانی که از همین ناحیه دچار ضایعه مغزی می‌شوند از تغییرات ادراک سه بعدی رنج نمی‌برند زیرا غالباً فاقد این ادراک هستند. بیشتر زنان ادراک سه بعدی محدودی دارند به بیان دیگر یک مرد می‌تواند نمای تمام شده‌ی یک ساختمان را از ابتدا در ذهن خود مجسم کند ولی یک زن قادر به چنین کاری نیست مگر آن‌که به وی آموزش داده شود (پیزوپیز، ۲۰۰۱: ۶۶). تنها ۱۰٪ زنان ادراک سه بعدی قابل مقایسه با مردان دارند (همان، ۱۳۱).

اکنون به عنوان جمع بندی یافته‌های تحقیق می‌توان جدول شماره ۴ را بعنوان دسته بندی انگاره‌ها و معیارهای تفاوت ادراک محیط شهری بر اساس جنسیت شهروندان و شکل ۲ را بعنوان نمودار فرآیند ادراک محیط شهری توسط زنان و مردان ارائه نمود.



شکل ۲: نمودار فرآیند ادراک محیط شهری توسط زنان و مردان. ماخذ: نگارنده (بر گرفته از پاکزاد و بزرگ، ۱۳۹۱)

جدول ۴: دسته بندی انگاره ها و معیارهای تفاوت ادراک در محیط شهری بر اساس جنسیت شهروندان

انگاره و معیار تفاوت		نوع تفاوت
منطق و استدلال	هوش کلامی	در ساختار مغز
تجزیه و تحلیل	هنر	
	عقیده و نظر	
حس بویایی	حس بینایی	در احساس محیط
حس شنوایی	حس چشایی	
	حس لامسه	
نحوه نقشه خوانی	نحوه ادراک سه بعدی	در ادراک محیط شهری
نحوه خوانایی محیط	نحوه راه یابی	
	نحوه جهت یابی	

ماخذ: نگارنده

نتیجه گیری

فرآیند ادراک مردان از محیط شهری بصورت کل به جزء است. یعنی ابتدا کلیت درک می شود سپس به جزئیات توجه می شود. کل چند بیش از جمع جبری آن است. اما در اغلب زنان فرآیند ادراک جزء به کل است. وقتی در بافت شهری مستقر هستیم به نظر می رسد مردان ابتدا کلیات فرم بناها را درک می کنند و سپس جزئیات را اما زنان ابتدا جزئیات و سپس کلیات را درک می کنند. البته باید توجه داشت که این فرآیند در چند ثانیه اتفاق می افتد و در نهایت هر دو گروه (زنان و مردان) یک واقعیت را تجربه می کنند اما از نظر ذهنی، ذهن هر یک روی یک بخش تأکید دارد. این موضوع باعث می شود که تفاوت‌های جنسیتی نمود بارزی در ادراک سه بعدی، جهت یابی در محیط شهر، نوع خوانایی محیط، مهارت نقشه خوانی و در نهایت روش های مسیر یابی و راهیابی پیدا می کنند. بنابراین مولفه های مذکور را می توان به عنوان اصلی ترین انگاره های تفاوت‌های ادراکی در محیط شهری به شمار آورد. البته همه اینها مرهون تفاوتها در ساختار مغز انسانها بوده که البته هم برای زنان و هم برای مردان بصورت اکتسابی قابل تغییر است. نکته مهم دیگر مرحله پیش از ادراک محیط یعنی احساس محیط است که توسط حواس پنجگانه دریافت می شود و در نتیجه به انگاره های مورد نظر این تحقیق، تفاوت در بکار گیری حس بینایی، لامسه، شنوایی، بویایی و چشایی را

(البته با درجات اهمیت متفاوت) در میان زنان و مردان را می‌افزاید. بنابراین سطح چهارم از مدل مفهومی این پژوهش می‌تواند به عنوان معرف مولفه‌ها و انگاره‌های تفاوت‌های ادراکی از محیط شهری از زاویه جنسیت تلقی گردد.

منابع

۱. ایروانی، محمود، خدایپناهی، محمد کریم (۱۳۷۱)، روان‌شناسی احساس و ادراک، انتشارات سمت، تهران، چاپ هشتم ۱۳۸۳.
۲. بندرآباد، علیرضا، شیخی فینی، سهیلا (۱۳۹۵)، نقش تفاوت های جنسیتی در روش های مسیریابی در فضاهای شهری نمونه موردی : محدوده محلات مرکزی شهر ری، فصلنامه معمار شهر، شماره ۹، پاییز ۱۳۹۵، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب.
۳. پاکزاد، جهانشاه، بزرگ، حمیده (۱۳۹۱): الفبای روانشناسی محیط برای طراحان، انتشارات آرمانشهر، چاپ اول-۱۳۹۱
۴. پیز، باربارا، پیز، آلن (۲۰۰۱)، چرا مردان گوش نمی دهند و زنان نمی توانند نقشه بخوانند، ترجمه: ناهید رشید و نسرين گلدادر، انتشارات آسیم، چاپ هفتم، ۱۳۹۰.
۵. شاه چراغی، آزاده، بندرآباد، علیرضا (۱۳۹۴)، محاط در محیط؛ کاربرد روانشناسی محیطی در معماری و شهرسازی، انتشارات جهاد دانشگاهی سازمان تهران.
۶. شیخی فینی، سهیلا (۱۳۹۳): نقش تفاوت های جنسیتی در روش های مسیریابی در فضاهای شهری نمونه موردی محدوده محلات مرکزی شهر ری، پایان نامه کارشناسی ارشد به راهنمایی دکتر علیرضا بندرآباد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران.
۷. گیفورد، رابرت (۱۹۹۷): ادراک و شناخت محیطی، ترجمه نسرين دهباشی، شخصیت و محیط، ترجمه جواهریان، بنی اسدی، پهلوان شریف، فضاهای شخصی، ترجمه شبنم صحرائی، فصلنامه معماری و فرهنگ سال اول، شماره دوم و سوم، ۱۳۷۸
۸. ورنون، ام.دی (۱۹۶۲)، روان‌شناسی احساس و ادراک، ترجمه علی پورمقدس، انتشارات مشعل، اصفهان، ۱۳۶۷.
9. Gaisbauer, Christian ,U.Frank,Andrew ,(2008): Wayfinding Model For Pedestrian Navigation,11 The AGILE International Conference on Geographic Information Science,university of Girona, Spain.
10. Gibson,J.(1979):The Ecological Approach to visual perception, Houghton Mifflin company, Boston
11. Henshaw, Victoria(2012): Smell&The city, Manchester Architecture Research center.
12. Kopec, Doc(2006): Environmental Psychology For Design, Fairchild Publications, Inc, New York.
13. Salmi,Patricia(2007):Way finding Design: Hidden Barriers to Universal Access ,volume 5,Issue 08.
14. Vernon, M.D.(1962):The Pshology of perception, penquin Books, London.
15. Yatmo, Yandi Andri, (2009): Perception of street vendors as ‘out of place’ urban elements at day time and night time, Journal of Environmental Psychology 29 (2009) 467–476.